

## به یاد فیضی

مژده ی وصل تو درمان دل مسکین کرد  
کی دگر چشم به رخسار گل و نسرین کرد  
قصد پرواز به جولانگه شاهین کرد  
فرصت باد نگاری که وفا چندین کرد  
تکیه بر سیم و زر اشک من و پروین کرد  
شور عشق تو همه کام مرا شیرین کرد

یک نسیم از سر کوی تو جهان مشکین کرد  
آن که در باغ جمالت به تماشا پرداخت  
فیضی از عالم قدس آمد و آن طیر نحیف  
عاشقا خلوت معشوق مبارک بادت  
آسمان خواست نثاری به ره مقدم دوست  
ترشروی ز چه از تلخی ایام که دوش

منبع: فاتح دلها نوشته شرلی ماسیاس صفحه 315  
اثر هوشمند فتح اعظم  
[www.Feyzi.org]

WWW.FEYZI.ORG